



تأملی بر تربیت روحیه کارآفرینی در مدرسه

کلیدواژه‌ها: فناوری، کسب و کار، نوآوری، کارآفرینی

تبیین کارآفرینی

کارآفرینی طیفی از افرادی است که همواره در تلاش و تکاپو هستند، به کار عشق می‌ورزند، در تلاش و عبادت می‌دانند، و برای کسب روزی حلال تلاش می‌کنند، تا افرادی که با نوآوری به خلق فرصت‌های جدید کسب‌وکار می‌پردازند. به عبارت دیگر، هریک از افراد نمره‌ای از کارآفرینی دارند؛ از صفر تا ... به‌طور طبیعی، هرچه به نمره ۱۰۰ نزدیک‌تر می‌شویم، به ویژگی‌های کارآفرینی مناسب‌تر نزدیک می‌شویم که از آن به «کارآفرینی مناسب» یاد می‌شود. کارآفرینان یا عامل تغییرند یا با تغییرات همراه می‌شوند (تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ...).

در حالت معمولی، کارآفرینان افرادی هستند که تغییرات را به‌درستی رصد می‌کنند و متناسب با تغییرات، فرصت‌های کسب و کاری را به وجود می‌آورند. در این معنی، کارآفرینان شکارچی فرصت‌ها تلقی می‌شوند.

همه انسان‌ها در مقابل تغییرات فناوری یک رویه را دنبال نمی‌کنند. عده‌ای با آن مقابله می‌کنند، عده‌ای بی‌تفاوت هستند، عده‌ای همراه می‌شوند، و عده‌ای

هم به این موقعیت به‌عنوان یک فرصت می‌نگرند و از آن انواع فرصت‌های کسب‌وکار را ایجاد می‌کنند. در حالت خاص، کارآفرینان افرادی هستند که با خلاقیت و نوآوری عامل تغییرات هستند و تغییراتی اساسی را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فناوری ایجاد می‌کنند. برای مثال، افرادی که تغییرات فناوری را باعث شده‌اند، کارآفرینان ناب هستند. این افراد نیازآفرینی می‌کنند. نیازآفرینی، نیازمند پیش‌بینی آینده است. این افراد با تحلیل درست تغییرات اجتماعی و اقتصادی، ضمن نوآوری در فناوری‌های مورد نظر، فضای کسب‌وکار جدیدی را طراحی می‌کنند.

حال سؤال اینجاست که: آیا مدرسه‌ها و خانواده به دنبال تربیت نسلی کارآفرین هستند یا کارمند؟

رویکرد غالب بر فعالیت‌های مدرسه‌ها و خانواده‌ها تربیت برای کارمندشدن است. تغییر این رویکرد به تغییر فرهنگ آموزش و ارزشیابی از محتوا، به موقعیت‌های واقعی زندگی و شغلی، نیاز دارد. به عبارت دیگر، لازم است به تربیت مهارت‌های کارآفرینی توجه شود. در مجموع، با تحلیل درست



هر کشوری، هر چه میزان صادرات و ارز بالاتری داشته باشد، فرایند کارآفرینی را درست تر هدایت کرده است

کارآفرینی یعنی ارزش آفرینی در فضای کسب و کار با بهره گیری از ریسک پذیری و نوآوری

شرایط اقتصادی کشور و حتی جهان به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد آموزش و پرورش باید از رویکرد تربیت کارمندمحوری به تربیت کارآفرین محوری تغییر یابد (البته در پیوند با ارزش‌های دینی و ملی). این رویکرد با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منطبق است. زیرا لازمه تقویت اقتصاد مقاومتی، تولید و صادرات است. برای دستیابی به چنین حالتی در کشور به تربیت نسلی نیازمندیم که کارآفرین باشد تا در آینده بتواند در عرصه‌های مختلف، وضعیت تولید را اصلاح کند و با افزودن بر کیفیت تولیدات داخلی و صادرات آن‌ها، ارزآوری در کشور را ارتقا بخشد.

لذا هرگاه بتوانیم در گام نخست نسلی با این ویژگی‌ها تربیت کنیم، و در گام‌های بعدی، با شناسایی افراد مستعد و کارآفرین، آن‌ها را به سمت تولیدات با اولویت هدایت کنیم، فرهنگ کارآفرینی در جامعه نهادینه می‌شود. با این اشاره در می‌یابیم که تربیت کارآفرینی با میزان ارزآوری رابطه دارد. هر کشوری، هر چه میزان صادرات و ارز بالاتری داشته باشد، فرایند کارآفرینی را درست‌تر هدایت کرده است.

عوامل زیر ضرورت اجتناب‌ناپذیر توجه به این رویکرد را نشان می‌دهند:

۱. بی‌کاری درصد بالایی از تحصیل کرده‌ها؛
۲. تغییر ماهیت مشاغل در جامعه با توجه به فناوری‌های جدید؛
۳. پایین بودن استخدام‌های دولتی؛
۴. پایین بودن بهره‌وری؛
۵. توجه به سیاست کاهش وابستگی به نفت و توسعه صادرات غیرنفتی؛
۶. دستیابی به اشتغال مفید و رضایت‌بخش در جامعه؛
۷. توجه به رشد مقالات علمی در کشور بدون توجه به تبدیل آن به فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها؛
۸. اصلاح روند تحصیلات تکمیلی در کشور و هدایت پایان‌نامه‌ها به سوی مسئله‌های واقعی و نه صرفاً پژوهش برای پژوهش؛
۹. اصلاح روند هدایت تحصیلی و شغلی در آموزش و پرورش با تأکید بر رشته‌های فنی و مهارتی؛
۱۰. اصلاح فرهنگ آموزش و تدریس در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، از رویکرد انتقالی، به رویکرد کاوشگری و کارآفرینی محور (یعنی مبتنی بر محصول و عملکرد واقعی)؛
۱۱. اصلاح فرهنگ ارزشیابی یادگیری در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، از ارزشیابی صرفاً

اطلاعات به ارزشیابی عملکرد.

مقوله کارآفرینی در کشور ما با مقوله شغل، ایجاد کارخانه و ... شناخته شده است. در صورتی که ایجاد شغل و ... محصول کارآفرینی است. کارآفرینی یعنی ارزش آفرینی در فضای کسب و کار با بهره‌گیری از ریسک‌پذیری و نوآوری [محبی، ۱۳۹۵]. لذا کارآفرینی در گام نخست یک مقوله انسانی است. یعنی افرادی که بتوانند با خلاقیت، نوآوری و پذیرش ریسک‌های مختلف به شکل‌های زیر در فضای کسب و کار مؤثر باشند:

۱. ارتقای کیفیت محصول؛
 ۲. اصلاح فرایند تولید؛
 ۳. اصلاح تکنولوژی و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید؛
 ۴. اصلاح فرایند توزیع؛
 ۵. اصلاح روند بازاریابی و ...
 ۶. و در نهایت، ایجاد کسب و کارهای جدید.
- رابرت هیسریچ** کارآفرینی را فرایند خلق چیزی با ارزش تعریف کرده است که از طریق اختصاص زمان و تلاش، همراه با پذیرش خطرپذیری‌های مالی، روانی و اجتماعی و به منظور دریافت‌های پاداش‌های مالی و رضایت شخصی از نتایج کار به دست می‌آید [به نقل از فیض‌بخش، ۱۳۹۰]. با توجه به نکات گفته شده، کارآفرینی با سه کلمه «تغییر»، «فرصت» و «نیازآفرینی» همراه است. لذا کارآفرینی یعنی:
- درک تغییرات و تبدیل آن‌ها به ضرورت‌های کسب و کار؛
 - درک نیازها و نیازآفرینی؛
- تحلیل تغییرات موجود و پیش‌بینی تغییرات در آینده و خلق فناوری‌های جدید و زمینه‌سازی برای فرصت‌های کسب و کار جدید؛ به عبارت دیگر:
- کارآفرینی فراتر از شغل و حرفه است. شغل و حرفه محصول تفکر کارآفرینی است.
 - کارآفرینی شیوه زندگی توأم با خلاقیت، نوآوری و ریسک‌پذیری است؛
 - کارآفرینی مقوله‌ای فرهنگی است، فرهنگ کشف فرصت یا خلق فرصت؛
 - کارآفرینی یک علم میان‌رشته‌ای است (مدیریت، روان‌شناختی و اقتصاد)؛
 - کارآفرینی علاوه بر کسب و کارهای مستقل، شامل کارآفرینی درون‌سازمانی و کارآفرینی اجتماعی نیز می‌شود.

ویژگی‌های کارآفرینانه

۱. انگیزه پیشرفت (تمایل به موفقیت)
۲. حس استقلال طلبی
۳. کنترل درونی

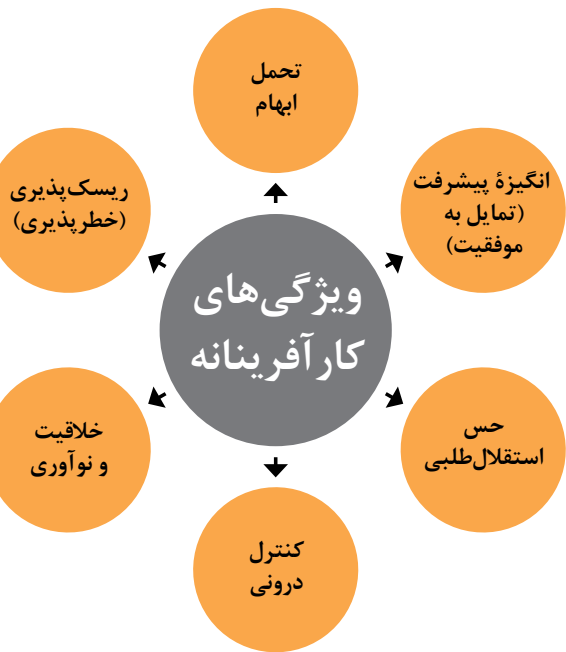
- مهارت‌های مربوط به عرضه و تقاضا؛
- مهارت‌های مربوط به تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها؛
- مهارت‌های کار تیمی؛
- مهارت‌های امور تجارت؛
- مهارت مربوط به قوانین شرکت؛

فهم مؤلف از ماهیت کارآفرینی آن است که انگیزه برای موفقیت عامل کلیدی در کارآفرینی است. این عامل باعث خواهد شد تا اراده فرد برای حرکت و تلاش تقویت شود. فرد در صورت برخورداری از چنین انگیزه‌ای (به شرط داشتن دانش و مهارت در حوزه کاری)، به طور طبیعی فهم اقتصادی را کسب خواهد کرد و با مطالعه و تجربه می‌تواند تحلیل مناسبی از وضعیت بازار، قیمت، تولید، عرضه و ... به دست آورد. پس از راه‌اندازی کسب و کار آنچه اهمیت دارد، مدیریت به معنای کلی است؛ از برنامه‌ریزی گرفته تا برقراری ارتباطات و ...

ویژگی‌های مدرسه کارآفرین

۱. واگذاری اداره و مدیریت فعالیت‌های مدرسه به دانش‌آموزان؛
۲. برپایی بازارچه‌های کسب‌وکار در مدرسه به منظور تمرین مهارت‌های کسب‌وکار (فروش و ...)
۳. واگذاری صفر تا صد برنامه‌ریزی و اجرای اردوها و ... به دانش‌آموزان؛
۴. تمرین پروژه‌های ساخت و تولید واقعی در مدرسه؛
۵. برگزاری مسابقه‌های مربوط به بورس و ... در مدرسه؛
۶. به‌کارگیری تدریس با رویکرد کار، مهارت و کارآفرینی (پروژه، تکالیف عملکردی و ...)

۷. به‌کارگیری ارزشیابی با رویکرد پروژه و عملکرد؛
۸. ساخت و تولید وسایل عملی ساده توسط دانش‌آموزان متناسب با درس‌های متفاوت؛
۹. دست‌ورزی دانش‌آموزان با وسایل اولیه براساس موقعیت‌های طبیعی؛
۱۰. انجام آزمایش و فعالیت‌های عملی در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده و مجازی؛
۱۱. بازدید از مراکز صنعتی و تهیه گزارش؛
۱۲. تولید بازی رایانه‌ای با تم کار از سوی دانش‌آموزان؛
۱۳. تولید کتاب داستان با تم کار از سوی دانش‌آموزان؛
۱۴. تولید روزنامه دیواری با تم کار از سوی دانش‌آموزان؛
۱۵. مطالعه کتاب‌های غیردرسی با تم کار از سوی دانش‌آموزان؛
۱۶. تشویق خانواده‌ها به خرید اسباب‌بازی با تم کار از سوی دانش‌آموزان؛
۱۷. تشویق خانواده‌ها به واگذاری امور بانکی و ... به بچه‌ها؛
۱۸. هدایت بازی و سرگرمی‌های بچه‌ها به اسباب‌بازی با تم کار از سوی دانش‌آموزان؛
۱۹. تشویق خانواده به راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی با کمک بچه‌ها؛
۲۰. واگذاری مسئولیت امور فنی منزل و مدرسه به بچه‌ها؛
۲۱. واگذاری مسئولیت خرید وسایل منزل به بچه‌ها؛
۲۲. و ...



۲. خلاقیت و نوآوری
۵. ریسک‌پذیری (خطرپذیری)
۶. تحمل ابهام

مهارت‌های کارآفرینان

- مهارت‌های فناورانه؛
- مهارت بازاریابی (شناخت بازار، اندازه بازار، مشتریان، رقبا و ...)
- مهارت مالی و حسابداری؛
- مدیریت (برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری)؛
- مهارت‌های ارتباطی (گفت‌وگو، ...)
- مهارت فنی و دانش مربوط به حوزه کاری؛
- مهارت‌های فرایند تولید و توزیع؛
- مهارت فرایند فروش؛
- مهارت‌های افکارسنجی؛
- مهارت تجزیه و تحلیل قیمت؛
- مهارت شیوه‌های تبلیغ؛
- مهارت‌های بانکداری؛
- مهارت‌های مربوط به سهام و بورس؛
- مهارت‌های مربوط به صادرات و واردات؛

* منابع

۱. محبی، عظیم (۱۳۹۸). تربیت مهارت‌های تفکر و کارآفرینی در مدرسه، مؤسسه مدارس یادگیرنده مرآت
۲. محبی، عظیم (۱۳۹۸). ویژگی‌های تدریس و ارزشیابی، انتشارات مدرسه.
۳. مبانی نظری سند تحول (۱۳۹۰). شورای عالی آموزش و پرورش.